

حقوق مالی در بانکداری اسلامی

علی لعل‌بار، مرجان امیر احمدی

دکتری حسابداری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

For_lalbar@yahoo.com

دانشجوی دکترای رشته مهندسی مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

Amirahmadimarjan68@gmail.com

چکیده

با گسترش امور سرمایه‌گذاری در جهان بویژه جهان اسلام، تعداد بانک‌ها به دلایل مختلف، از جمله کسب سود از طریق شرکت در بورس اوراق بهادار یا خدمت به مردم و ... به صورت خصوصی و دولتی افزایش یافت و به دلیل اعتماد مردم به آن‌ها، استقبال بسیاری از خدمات بانک‌ها شده است. بنابراین نیاز است تا در مورد جوانب مختلف بانک‌ها تحقیقات بسیاری شود که مردم بتوانند جواب سوالات خود را از طریق نتایج این مطالعات بیابند. یکی از موارد مهم در مورد بانک‌ها حقوق مالی در آنهاست. بنابراین نیاز دانسته شد تا به بررسی حقوق مالی در بانکداری اسلامی پرداخته شود.

این مقاله که از نوع مقالات علمی - ترویجی می‌باشد، می‌کوشد تا به تعاریف مختلف و گسترده‌ای از بانکداری اسلامی و حقوق مالی در آن برای توسعه دانش علاقه‌مندان به حیطه‌ی بانکداری بپردازد. در ادامه روابط بانکداری اسلامی و حقوق مالی نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت که با پرداختن به نقاط ضعف و قوت آن‌ها به مطالعه‌کنندگان این تحقیق آگاهی بیشتری به مسائل بانکی و حقوق مالی در ایران و جهان اسلام خواهد داد. در نهایت نتایج نشان دادند که عوامل متفاوتی از جمله ناآگاهی مردم و سرمایه‌گذاران از امور بانکی در اسلام و حقوق مالی سبب برداشت اشتباه از بانکداری اسلامی و نحوه‌ی دریافت و پرداخت سود می‌شود. همچنین در این مطالعه نشان داده شد که بانک‌های اسلامی برای ریشه‌یابی عملکرد ناموفق باید به سه موضوع شرایط عدم اطمینان به بانک‌ها، انتخاب بد جامعه، و مخاطرات اخلاقی توجه نمایند.

واژه‌های کلیدی: حقوق مالی، بانکداری اسلامی، ربا

مقدمه

در ادبیات اقتصادی جهان امروز، نقش و اهمیت نظام مالی و بازار پول و سرمایه و به تبع آن بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری به عنوان بازوهای اجرایی این نظام و ابزار رشد و توسعه اقتصادی کشورها کاملاً ملموس است، بطوری که توسعه پایدار اقتصادی بدون رشد و توسعه بازارهای مالی امکان پذیر نمی‌باشد. نظام بانکی کشور به عنوان یکی از مهمترین بخشهای اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی نقش‌های موثری برعهده دارند و عدم توانایی این نظام مشکلات عدیده‌ای را در راه توسعه کشور ایجاد خواهد کرد و هم چنین بانک در میان صنایع مختلف، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشند زیرا آنها می‌توانند از طریق وام، تسهیلات و شرکت در پروژه‌های مختلف اقتصادی، شرایط را برای سرمایه‌گذاری آماده نموده و از این طریق در رشد و توسعه اقتصادی کشور موثر باشند (بابائی، ۱۳۹۶). به دلیل نقش بسیار مهم و اساسی بانک‌ها در اکثر فعالیت‌های اقتصادی، بررسی عملکرد (بهره‌وری و کارایی) هر یک از بانک‌های موجود در کشور ایران اهمیت ویژه‌ای یافته است. بازارهای مالی و واسطه‌گران مالی، نقش اساسی را در انتقال وجوه از پس‌اندازکنندگان به سرمایه‌گذاران ایفا می‌کنند. بورس اوراق بهادار و بانک‌ها به ترتیب دو نهاد عمده بازارهای مالی و واسطه‌گری مالی هستند. سپرده‌گذاری در بانک‌ها، خرید اوراق بهادار (مانند گواهی سپرده و اوراق مشارکت) و خرید سهام در بازار اولیه (به عنوان مثال در پذیره‌نویسی بانک‌ها و شرکت‌ها) مهم‌ترین شیوه‌های تجهیز منابع مالی مورد نیاز در اقتصاد توسط پس‌اندازکنندگان است. از سوی دیگر ارائه تسهیلات اعتباری توسط بانک‌ها، فروش اوراق بهادار و نیز پذیره‌نویسی رایج‌ترین سازو کار تأمین منابع مالی می‌باشد. منظور از ساختار مالی یک اقتصاد، سازوکار نهادی تأمین مالی در آن است. بانک و بازار سرمایه دو نهاد اصلی تأمین مالی در هر اقتصادند. از این رو اقتصادها را برحسب آنکه سهم مسلط در تأمین مالی آن برعهده کدام یک از این دو نهاد باشد، اصطلاحاً بانک - محور^۱ یا بازار - محور^۲ می‌خوانند. گروهی از اقتصاددانان معتقدند که ساختار مالی نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه و رشد اقتصادی کشورها دارد، در حالی که برخی دیگر براین باورند که ساختار مالی تنها نمود و قالب ارائه خدمات مالی را تعیین می‌کند و موضوع کلیدی سطح توسعه مالی آدریک اقتصاد است (شهاب الدینی، ۱۳۹۱). یکی از ملزومات اولیه و پیش نیازهای اصلی برای فرارگرفتن در مسیر توسعه، تأمین و تخصیص سرمایه و منابع مالی به شکل مطلوب است که در این میان نقش و جایگاه بانک‌ها و موسسات مالی اهمیت می‌یابد که به نوعی در تجهیز، تأمین و گردآوری سرمایه و منابع مالی از یک طرف و از طرف دیگر در تخصیص و توزیع مطلوب آن موثرند. در این راستا بانک‌ها نقش بسیار حساس و مهمی را در اقتصاد کشور ما برعهده دارند. در واقع بانک‌ها از جمله قدیمی‌ترین، فعال‌ترین و گسترده‌ترین واسطه‌های مالی هستند که نقش غیر قابل انکاری در جمع‌آوری و توزیع مطلوب منابع مالی برعهده دارند. نیازهای متفاوت جوامع پیشرفته و در حال پیشرفت و همچنین مداخلات دولت‌ها در بازار پول برای تحقق اهداف مختلف از جمله اهداف توسعه‌ای باعث شده است تا بانک‌ها در طول زمان دچار تحول شده و در چارچوب‌های مختلفی ساماندهی گردند که از جمله این تقسیم‌بندی‌ها می‌توان به بانک‌های توسعه‌ای، تجاری، تخصصی اشاره نمود که هر کدام از آنها بنا بر اقتضائات جوامع مختلف به صورت دولتی و خصوصی ایجاد و توسعه یافته‌اند. همچنین سود از جمله اطلاعات با اهمیت در تصمیمات اقتصادی بشمار می‌رود. مطالعات و پژوهش‌های زیادی درباره‌ی بانک‌ها انجام شده است. بر همین اساس، محققان بسیار سعی کردند عوامل موثر بر سودآوری و یا ربای بانک‌ها و موسسات مالی را شناسایی کنند (سید نورانی و همکاران، ۱۳۹۱) اما در مورد حقوق مالی در بانکداری اسلامی تحقیقات کافی نشده است بنابراین در این تحقیق به بررسی این موضوع پرداخته خواهد.

¹-Bank- based

²-Market-based

³-Financial development

بیان مساله

در ادبیات نظری اقتصاد مالی دیدگاه‌های متفاوتی در مورد نقش ساختار مالی در اقتصاد یک کشور وجود دارد. به عقیده برخی از اقتصاددانان سیستم بانک محور نسبت به سیستم بازار منجر به عملکرد بهتری در اقتصاد می‌شود. اما در مقابل برخی دیگر سیستم بازار محور را بهتر می‌دانند. گروه دیگر با رد تمایز بین عملکرد اقتصادی این دو سیستم عقیده دارد آنچه که مهم است توسعه مالی و خدمات ارائه شده توسط سیستم مالی است. از نظر تجربی نیز شواهدی دال بر برتری یکی از دو سیستم بر دیگری وجود ندارد. بلکه این موضوع به عواملی از قبیل نوع سیستم حقوقی، سطح توسعه مالی و توسعه یافتگی کشور بستگی دارد. به عنوان مثال ساختار مالی اکثر کشورهای دارای سیستم حقوقی عرفی متمایل به بازار محور است. در مقابل ساختار مالی اکثر کشورهای دارای سیستم حقوقی مدنی (فرانسوی، آلمانی، اسکاندیناوری) متمایل به سیستم بانک محور است. همچنین در طول زمان و با افزایش سطح توسعه یافتگی، سهم بازار سهام در تأمین مالی بسیاری از کشورها افزایش چشم‌گیری داشته است به طوری که در موارد زیادی منجر به تغییر ساختار مالی این کشورها از ساختار بانک محور به بازار محور شده است (شهاب‌الدینی، ۱۳۹۱). سیستم بانکی یکی از با اهمیت‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور می‌باشد که بیشترین ارتباط را با بخش کلان اقتصادی کشور دارد و در نتیجه هرگونه نوسان و بی‌ثباتی در آن می‌تواند بر اقتصاد کلان کشور اثرگذار باشد. بنابراین بررسی تأثیر ساختار مالی بر سودآوری بانک‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای است (احمدیان، ۱۳۹۰). گسترش بازارهای جهانی و افزایش رقابت در بازارهای خدمات مالی، سودآوری این صنعت را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به اینکه سودآوری یکی از کارکردهای مهم بانک به عنوان واسطه مالی می‌باشد و از آنجایی که یک بانک سودآور توان بیشتری برای مقابله با شوک‌های منفی بازار را داراست، لذا توجه به شاخص سودآوری به عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی عملکرد در بانک‌ها و اهمیت نقش آن در تصمیمات مرتبط با نحوه تجهیز منابع، تأمین مالی و همچنین چگونگی تخصیص منابع، ضروری است بنابراین بانک‌ها بایستی با بررسی عوامل مرتبط با سودآوری خود موجبات افزایش توان رقابت‌پذیری سازگاری با تغییرات اقتصاد کلان را فراهم آورند. لذا این پژوهش به بررسی حقوق مالی در بانکداری اسلامی متمرکز گردیده است و به دنبال پاسخ این سوال است که حقوق مالی در بانکداری اسلامی چیست و چگونه است؟

ادبیات پژوهش

بانک

موسسه‌ای خدماتی است که به جمع‌آوری یا تجهیز سپرده‌های مردم و تخصیص منابع و مصرف بهینه آن در جهت سیاست‌های کلی اقتصاد کشور با ابزارهای پولی و اعتباری اقدام و همچنین موجبات تسهیل در پرداخت‌ها و انجام سایر خدمات بانکی را در چارچوب قوانین و مقررات فراهم می‌سازد (جمشیدی، ۱۳۸۹).

کلمه بانک اصطلاحی است بسیار قدیمی که منشا اصلی آن از واژه آلمانی *banck* به مفهوم نوعی شرکت است که ایتالیایی‌ها از زبان آلمانی آن را به نیمکت صرافان اطلاق نمودند ولی به تدریج سازمان و محل فعالیت‌های بانکی امروزی به این نام مرسوم گردید. بانک موسسه‌ای است که فعالیت آن در جهت جمع‌آوری پول‌ها یا سرمایه‌های سرگردان در جامعه و جهت دادن آن به سوی فعالیت‌های اقتصادی خلاصه می‌شود (عقیلی، ۱۳۸۹). نظام بانکی در اقتصاد مبتنی بر بازار مسئولیت بسیار سنگینی دارد و یکی از مهمترین اجرای اقتصاد کشور است. رشد و شکوفایی یا رکود ساختار اقتصادی کشورها یا طرز کار موسسات بانکی در ارتباط نزدیک دارد. نظام بانکی خدماتی عرضه می‌کند که بدون آن نظام اقتصادی کشور از حرکت باز می‌ماند. سرمایه موجود در بانک‌ها منبع اصلی خرید محصولات و خدمات و وام‌های اعطایی آنها، منبع ایجاد اعتبار برای تمام واحدهای اقتصادی مانند خانواده‌ها، مشاغل، شرکت و دولت است. عملیات بانک‌ها در زمینه ایجاد و اعطای وام و نحوه توزیع اعتبارات، سرمایه‌های آنها را به سوی دریافت حداکثر سود سوق داده، از درگیر شدن در نیازهای مالی خود را از طریق کسب درآمد و سرمایه‌های مختص به خود رفع کنند. بنابراین ایجاد اعتبار و اعطای وام برای برآورده کردن نیازهای اقتصادی ضروری است (صفائیان، ۱۳۹۴).

بانکداری در ایران

صرافی

پس از فتح لیدی و ضرب سکه دریک (۵۱۶ سال قبل از میلاد) در زمان داریوش کبیر، عملیات صرافی و بانکی در ایران گسترش یافته است فعالیت صرافها و موسسات اعتباری در زمان اشکانیان و بلاخص در دوره ساسانیان بر اثر بسط و توسعه بازرگانی و رواج مشکوکات مختلف طلا و نقره رونق بسیاری داشت (مجتهد و حسن زاده، ۱۳۹۴). احتیاج روزانه مردم به تعیین وزن و عیار مسکوکات گوناگون که در ادوار مختلف تاریخ در مبادرت رایج بود، به علاوه رواج پول های مختلف بدون آشنایی افراد به مشخصات (عیار و بار) و مسائل مربوط به آن بصیر بوده و وقت خود را به این کار اختصاص می دهند، ضروری می نمود. در دوره های صلح و آرامش و توسعه روابط تجاری میان شرق و غرب و امنیت، صرافی از حیث کیفیت و کمیت راه تکامل پیمود وعده شاعلین به این حرفه و سرمایه گذاری آنان مرتباً افزایش می یافت تا جایی که در اغلب شهرهای ایران چه خود و چه نمایندگان آنان فعالیت داشته و حتی بعضی از صرافان که از قدرت مالی و معروفیت بیشتری برخوردار بودند با گشایش حساب در بانک های بزرگ خارجی یا تعیین کارگزار در خارج و فرستادن نماینده به مراکز عمده تجارت، دایره عملیات خود را در بازارهای بین المللی بیش از گذشتگان خود توسعه دادند. از مراکز عمده صرافی آن ایام می توان به ترتیب درجه اهمیت شهرهای تبریز، مشهد، تهران، اصفهان، شیراز، بوشهر را نام برد عمده ترین عملیات صرافی عبارت بود از تغییر پول ها و معاملات برات و رواج بیجک (اینگونه اسناد با همان مشخصه که بعدها در قانون تجارت ایران تعریف و تجدید شده در آن زمان رواج داشته است). بیجک (کلمه ای است هندی) سندی بوده که صرافان ضمن صدور آن وصول مبلغی را اعلام داشته اند که در کوتاه مدت با عندالمطالبه تعهد پرداخت وجه آن را می نمودند. قدرت رواج آن برحسب میزان معروفیت و اعتبار طرف صادرکننده (متعهد) بوده است. رواج بیجک در صرافی به خاطر توسعه و رونق بازرگانی وعدم نشر اسکناس بود زیرا تا سال ۱۲۶۶ که در ایران اسکناس انتشار نیافته بود مسکوکات فلزی تنها وسیله مبادله و فعل و انفعال پولی بوده است. بنابراین بیجک علاوه بر آنکه سود سرشاری عاید صرافان می کرد وسیله ای برای رفع مضیقه پولی بازار نیز بوده است (بهمنی و بهمنی، ۱۳۹۴).

بانکداری

سال ۱۲۶۶ شمسی در تاریخ بانکداری ایران حائز اهمیت خاصی است. زیرا در این تاریخ یک موسسه بانکی به مفهوم واقعی و امروزی خود در ایران تأسیس شد و با آشنایی کامل به روش های بانکی جدید که بر اثر قرن ها تکامل در کشورهای اروپایی به وجود آمده بود، شروع به کار نمود. این موسسه که با فعالیت های خود پایه های اساسی بانکداری جدید را در ایران استوار کرد، شعبه بانک جدید شرق بود. این بانک در سال ۱۲۶۶ بدون اخذ امتیاز از دولت ایران شعبه مرکزی خود را در تهران افتتاح و به عملیات بانکی پرداخت. سپس به موجب امتیازی که در سال ۱۲۶۷ شمسی دولت ایران به بارون جولیوس دورویتر اعطا گردید، بانک شاهنشاهی ایران تأسیس شد. در سال ۱۲۶۹ شمسی امتیازی جهت تأسیس بانکی به نام بانک استقراضی ایران به یکی از اتباع روسیه تزاری به نام «ژاک پولوکوف» داده شد و بانک استقراضی پس از واگذاری به دولت ایران به بانک ایران موسوم گردید و به علت فقدان سرمایه نقدی و اشکالات زیاد در اخذ طلب های خود نتوانست احیا شود و بالاخره در سال ۱۳۱۲ ضمیمه بانک پارسیان ایران گردید و منحل شد. بانک سپه اولین بانک ایرانی است که در سال ۱۳۰۴ ه.ش به نام بانک پهلوی قشون به منظور انجام امور مالی و بکار انداختن وجوه صندوق بازنشستگی درجه داران ارتش تأسیس شد. قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ از تصویب نهایی مجلس شورای ملی گذشت و دولت مکلف گردید که بانکی موسوم به بانک ملی ایران تأسیس نماید. بانک ملی در تاریخ ۱۷ شهریور ماه ۱۳۰۷ رسماً افتتاح و فعالیت خود را آغاز کرد. بانک ملی در ابتدای تأسیس صورت یک بانک تجاری عادی داشت اما حدود فعالیت و ماهیت عملیات بانک ملی ایران با باز خرید حق انتشار اسکناس از بانک شاهنشاهی در خرداد ۱۳۰۹ از طرف دولت ایران و واگذاری آن به بانک ملی در اسفند ماه ۱۳۱۰ تغییر کلی یافت و به سرعت رو به توسعه نهاد (مجتهد و حسن زاده، ۱۳۹۴). سومین بانکی که برای انجام هدف های خاص و مشخصی تأسیس شد، بانک فلاحی و صنعتی ایران (بانک کشاورزی فعلی) است که به موجب قانون مصوب بیست و یکم خرداد ماه ۱۳۱۲ ه.ش تأسیس گردید (درویش کسرابی، ۱۳۹۳).

قوانین بانکداری

اولین قانون بانکی کشور در سال ۱۳۳۴ به تصویب کمیسیون‌های مشترک دو مجلس رسید و برای اولین بار مقررات خاصی برای تشکیل بانک و عملیات بانکی به اجرا گذارده شد. براساس این قانون بانک طبق مقررات عمومی تشکیل شرکتها و قانون تجارت باید تأسیس شود. علاوه بر این هیأتی به نام هیئت نظارت بر بانکها برای نظارت و مراقبت در اجرای قانون بانکی و کنترل سازمان و عملیات اعتباری بانکها به وجود آمد. اجازه تأسیس بانک، تعطیل بانک پس از تأسیس، اجرای سیاست پولی و اعتباری کشور، اجازه معاملات ارزی بانکها و تنظیم مقررات خاص ناظر بر روابط بانکها و مشتریان آنها به این هیئت محول شد. این قانون شامل ۵ قسمت بود که به ترتیب به تأسیس بانک، سرمایه و اندوخته بانکهای داخلی و خارجی، حدود عملیات بانکها با اشاره به عملیات ممنوع و ذخایر قانونی، هیئت نظارت بر بانکها، مقررات ناظر بر تطبیق وضع بانکهای موجود با قانون بانکداری و مقررات مربوط به انحلال بانکها اختصاص یافته بود. در سال ۱۳۳۹ قانون دیگری تا ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱ اجرا و در تاریخ مزبور قانون جدید پولی و بانکی کشور به تصویب رسید که امروزه نیز بخش‌های عمده ای از آن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نظام بانکداری بعد از انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ تجدید نظر در نظام بانکی کشور ضروری شد. در خرداد ۱۳۵۸ شورای انقلاب لایحه‌ای را به تصویب رسانید که براساس آن نظام بانکی کشور ملی شد. براساس این لایحه ۲۸ بانک، ۱۶ شرکت پس‌انداز و وام مسکن و ۲ شرکت سرمایه‌گذاری ملی اعلام شدند. در مورد هشت بانک دیگر که دولتی بودند یعنی بانکهای ملی، سپه، بیمه ایران، رفاه کارگران، اعتبارات صنعتی، تعاون کشاورزی، توسعه کشاورزی و بانک رهنی ایران، لزومی به تغییر مالکیت نبود. از ۲۸ بانک مورد اشاره در بالا ۱۵ بانک که متعلق به بخش خصوصی ایرانی و ۱۳ بانک در تملک مالکین خصوصی ایرانی و خارجی بودند. در تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۵۸ لایحه قانونی اداره امور بانکها به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسید. در این لایحه ارکان بانکها به شکل زیر مشخص شدند: ۱- مجمع عمومی بانکها (ریاست مجمع با وزیر اقتصادی و دارایی و در غیاب وی با وزیر بازرگانی است) ۲- شورای عالی بانکها (ریاست شورای عالی بانکها رئیس کل بانک مرکزی است) ۳- هیئت مدیره هر بانک ۴- مدیرعامل هر بانک ۵- بازرسان قانونی هر بانک.

اصلاح نظام بانکی

سید جمال‌الدین اسدآبادی سر سلسه بیدارگران اقلیم قبله و بزرگ احیاگر تفکر اسلامی در تاریخ معاصر بیش از صد سال پیش در مواجهه با توفانی که از غرب به سوی شرق وزیدن گرفته بود و در حال تسخیر این کشورها بود به مناسبتی در نامه‌ای خطاب به مراجع و علمای دینی زمانش نوشت: «البانک، مالبانک و ما ادریک ما البانک؟» و در روزگاری دیگر عالم گران‌مایه و بیدارگر آیت الله مطهری در مورد مسأله «سرمایه‌داری» به عنوان یک مسأله مستحده، نوشت: «برخورد فقیهان ما با پدیده سرمایه‌داری برخوردی انفعالی و جزئی‌نگر بوده و اشکال دارد» و ادامه می‌دهد: «فقه‌های عصر از مسائل بانک و بیمه و چک و سفته به عنوان مسائل رایج کما بیش بحث‌هایی کرده و می‌کنند ولی توجه ندارند که رئیس بحث‌های مهم، خود سرمایه‌داری است». اگر از فرصت زمانی دوره سید جمال تا شهید مطهری برای نظریه‌پردازی پیرامون این مسأله بگذریم اما از فرصت زمانی دوره پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون و تجزیه نظام جمهوری اسلامی ایران برای تدوین یک الگو و نظام اقتصادی و اجزای آن از جمله «نظام بانکی» منطبق با این الگو نمی‌توان گذشت و متأسفانه باید گفت به رغم مدعاها و سخنان فراوان در این باره و پرداختن به مسائل جزئی و فرعی و آزمون و خطاهای مکرر آن چه مغفول مانده می‌ماند و اداره اقتصاد کشور از آن رنج می‌برد فقدان یک نظریه منقح و منسجم و همساز و تبیین شده پیرامون الگو و نظام اقتصادی مطلوب در انطباق با آموزه‌های اسلامی و تجربه‌های بشری است و قطعاً تا زمانی که نتوان به این موضوع پاسخ مثبت داد پرداختن به اجزای نظام اقتصادی و از جمله «اصلاح نظام بانکی» جز تکرار آزمون و خطاهای قبلی و تحمیل هزینه‌های مرتبط نخواهد بود. «نظام بانکی» همچون قلب و رگ های خون ساز و خون رسان «نظام سرمایه‌داری» و به تعبیری «اقتصاد بازار» عمل می‌کند و به واقع درگذار از دوره «اقتصاد معیشتی» به «اقتصاد بازار و صنعتی» ضرورت تأسیس و کارکرد «نظام بانکی» خود نمایی کرد و گام به گام همراه با

توسعه صنعتی و اقتصاد جدید گسترش یافت به گونه‌ای که امروز تصور اقتصادی صنعتی و پیشرفته بدون بانک ناممکن است چرا که اگر بپذیریم مساله «نظام سرمایه‌داری» یک پدیده مستحدثه و جدید در تاریخ و جهان معاصر است بحث سرمایه قلب تپنده این نظام را تشکیل می‌دهد و بانک‌ها شاهرگهای حیاتی تجمیع پس اندازها و تبدیل آن به سرمایه‌گذاری از طریق بنگاه‌های اقتصادی هستند و بدون وجود این واسطه‌گری‌های مالی و پولی شکل‌گیری اقتصاد بازار و تولید ثروت ممتنع است. به نظر آن چه در ایران در گذشته و حال نگاه دینداران به نظام بانکی را دچار ابهام و خدشه کرده است نه خود بانک‌ها و عملکردشان بلکه بخش سرمایه و سرمایه‌داری است که تکلیف آن در مباحث و راهبردها روشن نیست و به همین دلیل هم هست که اقتصاد دولتی در ایران غلبه دارد و نظام بانکی ما دولتی است و دستوری عمل می‌کند و قطعاً در درون چنین ساختاری بانک‌ها نمی‌توانند کارکرد مطلوبی در تولید ثروت و درآمد و تأمین سرمایه برای پیشبرد صنعتی کشور داشته باشند. خلاصه کلام اینکه «اصلاح نظام بانکی» که در دستور کار دولت قرار گرفته بدون داشتن الگویی کلان برای نظام اقتصادی کشور نارساست و همچون گذشته می‌تواند مبتنی بر نوعی آزمون و خطا باشد و در این مسیر ممکن است برای اصلاح ابرو خسارات جبران‌ناپذیری به چشم وارد آید وضعیت موجود «نظام بانکی» هرچند مطلوب نیست اما حاصل تجربیات سال‌های گذشته است و به ویژه در سال‌های اخیر که گرایش به «اقتصاد بازار و رقابتی» در کشور قوی‌تر شده و بانک‌های خصوصی هم پا به میدان فعالیت نهاده‌اند وضعیت رو به بهبود بوده است و قطعاً سامان‌دهی «بازار پول و سرمایه» برای «تولید ثروت و درآمد» باید بیش از پیش در کانون توجه سیاستگذاران و نظام تصمیم‌گیری برای اداره کشور باشد و در این مسیر «اصلاح نظام بانکی» ضروری می‌نماید ولی باید مبتنی بر مطالعه دقیق و حفظ دستاوردهای مثبت گذشته و حرکت بر پایه نقشه راهی که با دیگر ساز و کارهای اقتصاد ایران همساز باشد و در نهایت بتواند میل به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را در کشور و تک‌تک شهروندان افزایش دهد همراه باشد و در نتیجه بانک‌ها معبری برای تولید ثروت و توزیع درآمد در عرصه فعالیت‌های اقتصادی باشند و همچون قلب و رگ اقتصاد ایران عمل کنند (مزروعی، ۱۳۹۰).

حقوق مالی

حقوقی است که اجرای آن مستقیماً برای دارنده‌ی آن ایجاد منفعتی نماید که به پول تقویم می‌گردد. حقوق مالی اعم است از حقوق عینی و حقوق دینی. حقوق مالی، حقوقی است که مرتبط با دارایی و اموالی هر فرد است. یعنی افراد نسبت به مالی که دارند دارای حق و حقوقی هستند. در مقابل حقوق مالی، حقوق غیر مالی است که مرتبط با حقوق افراد خارج از اموال و داراییهایشان است و همچنین حقوق مالی به دو دسته‌ی حقوق عینی و دینی تقسیم می‌شوند. حقوق مالی ویژگی‌هایی دارد که آن را از حقوق غیر مالی مشخص می‌کند، یکی از این موارد این است که حقوق مالی و اجرای آن برای دارنده آن حق منفعت و سود مالی دارد، یعنی این منفعت را می‌توان به پول تبدیل کرد اما حق غیر مالی به پول تبدیل نمی‌شود. دوم این که هر فرد می‌تواند حق مالی‌اش را به فرد دیگر انتقال بدهد. مثلاً فردی که مالک یک خودرو است، نسبت به آن خودرو حق مالکیت (بارزترین نمونه حق مالی دارد). و می‌تواند با فروختن خودرو حق مالی خود را به دیگری انتقال دهد. اما حق غیر مالی این خاصیت را ندارد یعنی هیچ کس نمی‌تواند برای مثال حق زوجیت خود را به فرد دیگری منتقل کند. سومین ویژگی حق مالی این است که کسی که حق مالی دارد می‌تواند از حق مالی خود بگذرد، مثلاً کسی که پولی به او ارث می‌رسد در واقع مالک ارثیه است و نسبت به آن حق مالی دارد اما می‌تواند بگوید من این حق را نمی‌خواهم. در حقوق به این کار اسقاط حق می‌گویند. اما در حق غیر مالی نمی‌توان گفت من از حق پدری خود نسبت به فرزندم صرف نظر می‌کنم و آن را نمی‌خواهم. چهارمین مورد این است که یک حق مالی می‌تواند توقیف شود، یعنی اگر کسی نتواند قرض و بدهی‌هایش را بدهد دادگاه می‌تواند اموال آن فرد را توقیف کند اما توقیف نسبت به حقوق غیر مالی وجود ندارد. پس حق مالی منفعت پولی دارد، قابل توقیف، نقل و انتقال و اسقاط است.

❖ حق عینی حقی است برای اشخاص بر اعیان اموال. حق عینی ممکن است تام باشد مثل حق مالکیت یا برای شخص حقوق جزئی در مال ایجاد کند، مثل حق ارتفاق، حق شفعه، حق انتفاع.

❖ **حق دینی** حقی است که بر ذمه افراد مستقر می‌شود، ممکن است تعهد به انجام یا عدم انجام امری، یا تحویل مالی باشد.

در کنار این **طبقه‌بندی** حقوق مالی دیگری مثل حق تالیف، **حق اختراع** و... وجود دارد.

حق عینی چیست؟ و انواع آن

حق مالی عینی حقی است که هر شخص نسبت به اموال عینی خود دارد. فرد می‌تواند هر زمان که بخواهد و بدون اجازه دیگران از آن مال استفاده کند. مثل حق استفاده از کیف، کفش، ساعت، لباس و .. حق عینی با توجه به اینکه با واسطه یا بدون واسطه اعمال شود، به دو دسته اصلی و تبعی تقسیم می‌شود:

الف) حق عینی اصلی: حقی است که باعث می‌شود مالک از مال خود به طور کامل استفاده کند، مثل حق مالکیتی که فرد نسبت به خانه خود بدون هیچ واسطه و دینی دارد.

ب) حق عینی تبعی: حقی است که به طور مستقیم نسبت به مال اعمال نمی‌شود. حق عینی تبعی در واقع وقتی به وجود می‌آید که یک عین معین (مثل خانه، اتومبیل و...) وسیله تضمین یک دین قرار می‌گیرد مثلاً وقتی فردی از دیگری وام می‌گیرد و خانه خود را به عنوان وثیقه در اختیار او قرار می‌دهد وام دهنده حق دارد در صورتی که وام گیرنده دینش را پرداخت نکند، با رعایت قانون بدهی‌اش را با فروش خانه تامین کند. در واقع حقی که وام گیرنده نسبت به خانه دارد یک حق عینی تبعی است چون در صورتی خانه بطور کامل به او تعلق می‌گیرد که بتواند دینش را ادا کند این همان چیزی است که در رهن انجام می‌گیرد.

ربا

ربا که تقریباً معادل واژه انگلیسی "usury" است اصطلاحی در قرآن است که به معنی سود ظالمانه در معامله یا تجارت است. ربا چندین بار در قرآن در سوره‌های بقره، آل عمران، نساء و روم به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است و تنها گناهی است که از آن به عنوان "جنگ با خدا" نام برده شده است. با اینکه مسلمانان همه متفق هستند که ربا در اسلام حرام است، تعریف دقیق ربا در بین مسلمانان مورد اتفاق نیست. در گذشته بیشتر دانشمندان اسلامی مانند مسیحیان هرگونه سود بر روی پول را معادل ربا می‌دانستند ولیکن بیشتر علمای اسلامی امروزه آن را معادل سود ظالمانه و نه هر نوع سودی می‌دانند. دانشمندان اسلامی همچنین در مورد اینکه آیا ربا حرام است یا مکروه با یکدیگر اختلاف دارند.

بیشتر دانشمندان اسلامی ربا را به دوگونه تقسیم می‌کنند:

- ربای نسبه (ربای قرضی): که در آن سود بر روی پول اخذ می‌شود.
- ربای فضل (ربای معاملی): مبادله هم‌زمان دو جنس با ارزش نابرابر. به عبارت دیگر؛ مبادله دو کالای ناهمجنس مثل طلا با نقره.

ربا در اسلام

در قرآن چندین بار به رباخواری اشاره شده است. در سوره بقره رباخواری به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است.

از این رو در **فقه** اسلامی رباخواری به شدت نهی شده، به طوری که **گناه** یک درهم ربا را بیشتر از هفتاد بار **زنای با محارم** دانسته‌اند. **قوانین موضوعه** ایران هم ربا را **جرم** محسوب می‌کنند.

با اینکه در بیشتر کشورهای اسلامی و از آن جمله ایران ربا در قانون به عنوان جرم شناخته می‌شود، بیشتر کشورهای اسلامی سود بانکی تأیید شده توسط حکومت را ربا نمی‌دانند. بسیاری عالمان اسلامی شیعه و سنی فتوایی در مورد اینکه سود بانکی در زمره حرمت ربا قرار نمی‌گیرد صادر کرده‌اند. به‌طور مثال **انور سادات** رئیس‌جمهور مصر فتوایی از شیخ الازهر دریافت کرد که سود بانکی را در شرع اسلامی حلال دانسته بود. مفتی اعظم مصر محمد سید تنتوای فتوهای مختلفی در سال ۱۹۹۱ میلادی صادر کرد که به موجب آن سود بانکی را ربا ندانست. از این رو در بیشتر کشورهای اسلامی امروزه سود بانکی که توسط حکومت تأیید شده باشد ربا دانسته نمی‌شود. حال آنکه بعضی دانشمندان اسلامی نظیر **عمران نزار حسین** اعتقاد دارند که سود بانکی نیز ربا محسوب می‌شود.

حلال یا حرام بودن سود بانکی

بیشتر مسلمانان و غیرمسلمانان اتفاق عقیده دارند که دین اسلام گرفتن هر نوع سودی را بر روی پول حرام می‌داند؛ ولیکن این نظر با اینکه نظر اکثریت است مورد اجماع نیست. اتفاق باور بر این است که حلال شدن سود بانکی توسط حاکمین و توسط علمای «رسمی» در مورد «مسائل اساسی» صورت گرفته است. به‌طور مثال انور سادات از شیخ‌الازهر فتوایی در مورد حلال بودن سود بانکی دریافت کرد. مفتی مصر دکتر محمد سید تنتاوی چندین فتوا در مورد حلالیت سود بانکی در سال ۱۹۹۱ داده است. در سال ۱۹۹۷ شیخ نصر فرید و صیل، مفتی اعظم دارالمصربه، نیز سود بانکی را حلال اعلام کرد و گفت: «چیزی به اسم بانک اسلامی و غیر اسلامی وجود ندارد. بهتر است به بحث در مورد سود بانکی خاتمه دهیم». دکتر عبدالمنیر النمر وزیر اوقاف مصر نیز اعلام کرده است که سود بانکی نمی‌تواند ربا باشد. بعضی دیگر از عالمان اسلامی که سود بانکی را معادل ربا نمی‌دانند افرادی هستند که به حکومت وابسته نیستند ولیکن دیدگاه‌های مدرن دارند. افرادی از این قبیل عبارتند از: محمد عبوده، رشید رضا، محمود شلتوت، سید احمد خان، فضل الرحمن، محمد سید تنتاوی و یوسف القرداوی. این افراد اعتقاد دارند با توجه به نیازهای جامعه مدرن نمی‌توان سود بانکی را معادل ربا دانست. این افراد اعتقاد دارند ربای ذکر شده در قرآن در مورد بدهی‌های بیش از حد و برده داری بوده است حال آنکه سود بانکی امروزه در کمک به گردش اقتصاد است. این افراد اعتقاد دارند که قوانین بانکداری فعلی جلوی ایجاد بدهی بیش از حد برای افراد را می‌گیرد.

ربای معاملی

در اصطلاح **فقه اسلامی** ربا دو قسم است: یکم: ربای معاملی که در معاملات معوض متصور هست. عوضین در این معاملات دو کالای **مکیل** یا **موزون** که هم جنس می‌باشند و یکی از عوضین بر دیگری زیادی یا نقصان دارد. به عبارتی ربای معاملی به معامله معوض که عوضین دو شیء همجنس مکیل و موزون به شرط ازدیداد یا نقصان احد از عوضین اطلاق می‌شود. به‌طوری‌که یکی از آن دو مقداری بیش از دیگری داشته باشد. مانند این که شخصی ۱۰۰ کیلو گندم را با ۱۲۰ کیلو گندم معاوضه کند. این نوع ربا هم در معاملاتی که عوضین حال و موجد باشند **نسیه** واقع می‌شود و بنا به نظر مشهور فقها اختصاص به اموال موزون (وزن‌شدنی) و مکیل (پیمانه‌ای) دارد. برخی از فقها آن را در معامله اموال شمردنی نیز جاری می‌دانند. همچنین نظر مشهور فقها ممنوعیت ربا در تمامی معاملات است نه اینکه اختصاص به عقد **بیع** داشته باشد این نوع ربا ممکن است در هنگام قرض گرفتن و پس دادن نان اتفاق بیفتند.

ربای دین

دوم: نوع دوم ربای حرام، ربای دین می‌باشد. یعنی داین و مدیون تراضی نمایند که بر دین موجود بر ذمه مدیون، شیئی (کالا) یا امری (کار) اضافه گردد. متأسفانه این دقت نظر را بعضی از فقها نداشتند. اما ربای موضوع در بانک‌ها، از نوع ربای معاملی است؛ زیرا بانک‌ها طی جری عقد معوض مقارضه اقدام به اخذ ربا می‌کنند. به این شکل که سپرده‌گذار پول خود را به بانک می‌دهد و علاوه بر پول خود، سود هم دریافت می‌کند؛ یا شخص وام‌گیرنده، وام را قرض می‌گیرد و علاوه بر مبلغ وام، سودی نیز پرداخت می‌کند؛ و اگر ربای قرضی حرام و باطل باشد، این قراردادهای مشتمل بر ربا در بانک نیز حرام و باطل خواهد بود. ربای قرضی به این صورت که، فرد برای تأمین نیاز مالی جهت امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری تقاضای **قرض** می‌کند و در ضمن عقد قرض «متعهد» می‌شود آنچه را می‌گیرد همراه با زیادی برگرداند.

ربا در حقوق کیفری

ماده ۵۹۵ **قانون مجازات اسلامی ایران** ربا را جرم و برای آن مجازات در نظر گرفته است: مرتکبین اعم از ربا دهنده، ربا گیرنده و واسطه‌ی بین آن‌ها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و نیز معادل مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.

تفاوت اوراق بهادارسازی اسلامی با اوراق بهادارسازی متعارف

در نظام‌های غیراسلامی، همه دارایی‌هایی با جریان نقدی آتی را می‌توان به اوراق بهادار تبدیل کرد. در مبحث بیع دین نیز آرای فقهی متفاوت است. مشهور علمای اهل سنت، بیع دین را مجاز نمی‌دانند و از این‌رو امکان اوراق بهادارسازی دارایی‌ها از

محل جریانات نقدی ایجاد شده بابت تسهیلات اعصایی وجود ندارد. با این حال، فقه امامیه (مشهور فقهای شیعه) فروش دین در اسناد دین واقعی، چه به خود بدهکار و چه به شخص ثالث مانند بانک چه به قیمت اسمی دین و چه به کمتر از آن را جایز می‌شمارند. شورای نگهبان نیز موضع تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) را با موازین شرعی و قانون اساسی مغایر ندانسته است. از این رو، امکان اوراق بهادار سازی دارایی‌ها در تسهیلات ایجاد شده بر اساس قانون بانکداری بدون ربا در ایران وجود دارد.

مزایای اوراق بهادار سازی اسلام به شرح زیر است:

یک معامله در بخش واقعی اقتصاد در پس زمینه فرآیند اوراق بهادار سازی وجود دارد. هر کدام از طرف‌های معامله در فرآیند اوراق بهادار سازی در ریسک و بازده سهیم هستند. دارایی‌های پشتوانه اوراق، مطالبات ناشی از تسهیلات نیست. دارایی‌های پشتوانه و تعهدات اوراق بهادار سازی شده، هدف سفته‌بازی را دنبال نمی‌کنند. به عبارت دیگر، مدل عملیاتی در اوراق بهادار سازی اسلامی تقریباً همانند اوراق بهادار سازی متعارف است، با این تفاوت که خرید و فروش دارایی واقعی در فرآیند رخ می‌دهد (نجفی مقدم، ۱۳۹۶).

پیشینه تحقیق

گلبازخانی‌پور و همکاران (۱۳۹۷) به ارزیابی و تعیین ساختار بهینه منابع و شاخص‌های عملکرد مالی بانک‌ها با استفاده از رویکرد ناپارامتریک پرداختند. آنها این مطالعه را برای بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از یکی از تکنیک‌های ناپارامتریک و تحلیل پوششی داده‌ها انجام دادند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که استفاده بهینه از منابع بانک‌ها اثر مثبت و معناداری بر شاخص‌های مالی آنها دارد. هالکوس و همکاران^۴ (۲۰۱۹) در پژوهش خود که به منظور ارزیابی کارایی فنی ۱۱۷ شعبه از یک بانک مشخص در کشور تایوان صورت گرفته است از مدل تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که متوسط نمره کارایی بین بانکها ۵۴ درصد بوده و تعداد ۹ شعبه به لحاظ فنی و مالی کارا هستند و عملکرد مناسبی دارند. تایرون و همکاران^۵ (۲۰۱۹) در بررسی خود کارایی بانک‌های عربی را از نظر مالی مورد ارزیابی قرار دادند. برای این منظور آنها از مدل ترکیبی شبکه‌های عصبی و تحلیل پوششی داده‌ها استفاده نمودند. نتایج نشان داد که مدل‌های شبکه‌های عصبی به علت تنومندی و انعطاف‌پذیریشان در مدل سازی دارای پتانسیل قوی در طبقه‌بندی کارایی بندی بانک‌های عرب هستند. مصطفی^۶ (۲۰۲۰) در مطالعه خود به ارزیابی عملکرد بانک‌های اربیل کردستان با استفاده از نسبت‌های مالی پرداخت. شاخص‌های مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از نسبت بازده دارایی، نسبت سود به سپرده و نسبت نقدینگی سپرده به دارایی. نتایج نشان داد که به لحاظ مالی، بانک‌های اربیل عملکرد مثبتی دارند و اغلب شاخص‌های مالی در وضعیت مناسبی قرار دارند. همچنین در این مطالعه از طریق الگوی رگرسیونی، اثر برخی متغیرها بر شاخص‌های مالی بررسی شد. نتایج این الگو نشان داد که نسبت‌های نقدینگی و اندازه بانک تاثیر مثبتی بر شاخص‌های مالی بانک‌های اربیل دارند. المومانی^۷ (۲۰۲۰) در مطالعه خود، بانک‌های عربستان سعودی پذیرفته شده در بازار بورس را از نظر مالی مورد ارزیابی و مقایسه قرار داد. در این مطالعه عملکرد بانک‌ها با دو روش تحلیل روند و تحلیل میان شرکتی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داد که افزایش هزینه‌های عملیاتی و دارایی‌ها سبب کاهش سودآوری بانک‌ها می‌شود در حالیکه افزایش منابع و درآمدهای عملیاتی تاثیر مثبت بر سوددهی بانک‌ها دارد.

⁴Halkos et al

⁵Tyrone et al

⁶Mustafa

⁷Almumani

نتیجه‌گیری

براساس دیدگاه‌های مطرح شده از بزرگان اسلام که در زمینه‌ی مالی و اقتصادی نظرات خود را به طور صریح بیان کردند همانند شهید صدر، نظریه‌ی درآمد قانونی بانک‌های اسلامی به عنوان یکی از مبانی نظری نظام اقتصادی و مالی اسلام، مورد توجه فقها، عالمان اقتصادی و سیاستمداران اسلام‌گرا بوده است. به همین دلیل باید در بررسی مسئله‌ی ربای بانک‌ها با تاکید بر یافتن و ارائه‌ی راه‌های عملی برای پیشبرد بانک بدون ربا، به این نظریه و نظریه‌های مشابه آن توجه کرد، زیرا از نظر آنها ایجاد هر درآمد و یا پرداخت سودی در بانک زمانی حلال است که مستند به کاری باشد. یعنی بانک‌ها با دریافت مبالغ از مردم به تجارت قانونی پرداخته و مال اندوختگان را در سود تجارت خود سهیم کنند. و اگر غیر این باشد در آمد بانک و سودی که به مردم می‌پردازد حرام است.

منابع

- احمدیان، ا و حیدری، ه (۱۳۹۰). تأثیر شرایط اقتصاد کلان بر سود و زیان بانکها. پژوهشکده پولی و بانکی باقرزاده، س (۱۳۹۱). تبیین الگوی ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه تحقیقات مالی، شماره ۱۶.
- بهمند، م و بهمینی، م (۱۳۹۴). بانکداری داخلی، مؤسسه عالی بانکداری.
- پورحیدری، ا و یوسف زاده، ن (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر ساختار مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری پژوهشنامه اقتصادی. شماره ۴۵
- جهان‌خانی، ع و یزدانی، ن (۱۳۹۰). تأثیر صنعت، اندازه شرکت، ریسک تجاری و درجه اهرم عملیاتی بر میزان به کارگیری اهرم مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران. مطالعات مدیریت بهبود و تحول، شماره ۱۷ و ۱۸
- حاجیه‌ها، ز و خراط زاده، م (۱۳۹۷). بررسی رابطه کاربرد نوآوری های حسابداری مدیریت و شاخص های مالی ارزیابی عملکرد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه: دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۱۱.
- سجادی، س. ح.، محمدی، ک و سلگی، م (۱۳۹۷). بررسی تاثیر ویژگی های شرکت بر روی ساختار سرمایه ی شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۰.
- سجادی، س. ح.، فرازمنند، ح.، دستگیر، م و محمودی، و (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر سودآوری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله تحقیقات اقتصادی علمی-پژوهشی شماره ۸.
- سکاران، ا و صائبی، م (۱۳۹۰). روشهای تحقیق در مدیریت. مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری
- نورانی، س. م.، امیری ح و محمدیان، ع (۱۳۹۱). رابطه علیت بین سرمایه بانک و سودآوری؛ با تاکید بر جنبه نظارتی ساختار سرمایه. دوره ۲، شماره ۶، صفائیان، م (۱۳۹۴). روشهای کاربردی بازاریابی خدمات بانکی برای بانکهای ایرانی. چاپ چهارم. نگاه دانش
- طالب نیا، ق و سپهری، پ (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای ارتباط بین نسبت بدهی با بازده دارائی‌ها در صنایع مختلف. فصلنامه تحقیقات مالی، شماره ۲۲.
- ظهوری، ق (۱۳۷۸). کاربرد روشهای تحقیق علوم اجتماعی و مدیریت، تهران، انتشارات امیر عقیلی، پ (۱۳۸۹). نرخ و سود و سیاست پولی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی
- عالی ور، ع (۱۳۷۵). موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی
- کسرائی، د (۱۳۹۳). کتاب بانک کشاورزی از بدو تأسیس تا تصویب و اجرای لایحه قانونی اداره امور بانکها. چاپ اول
- کیمیگری، ع. م و عینعلی، س (۱۳۹۶). ارائه الگوی جامع ساختار سرمایه (مطالعه موردی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران)، نشریه علمی-پژوهشی تحقیقات مالی، شماره ۴.

گلبازخانی پور، گ.، فاضل یزدی، ع و طحاری مهرجردی، م.ح (۱۳۹۷). ارزیابی و تعیین ساختار بهینه منابع و شاخص های عملکرد مالی بانک ها با استفاده از رویکرد ناپارامتریک (مطالعه موردی: بانک های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). نشریه دانش سرمایه گذاری، شماره ۷.

مجتهد، ا و حسن زاده، ع (۱۳۹۴). پول و بانکداری و نهادهای مالی. پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

محمودزاده، ا (۱۳۹۱). بررسی ساختار مالی بخش شرکتی ایران. فصلنامه اقتصاد شماره ۱۳۶
محمدی، م (۱۳۹۷). تأثیر مدیریت سرمایه بر سودآوری در جامعه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مدیریت شماره ۱۴

نمازی، م و شیرزاده، ج (۱۳۹۲). بررسی رابطه ساختار سرمایه با سودآوری شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (با تأکید بر نوع صنعت). مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲.

Almumani, M.A. (2020). A comparison of financial performance of Saudi banks. *Asian Journal of Research in Banking and Finance*. No:2, PP: 200-213.

Armstrong, S.C., Blouin, L, J., & Larker, F.D. (2012). The Incentives for Tax Planing. *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 53, pp. 391-411.

Chadw. CK ,A. (2000). Studying political-ideas: A public political discourse approach, *political Studies*, no: 48, p 283-301.

Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L .(2020). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. Working Paper.18. Desai, M.A., Dharmapala, D(2006). Corporate Tax Avoidance and High Powered Incentives. *Journal of Financial Economics*, 9, 145–179

Halkos, E., & Salamouris, S. (2019). Efficiency measurement of Greek commercial bank seith the use of financial ratios: a data envelopment analysis approach, *Management accounting research*, 15: 201-224

Johnson, Shane A., Lin, Ji-Chai., & Kyojik R. Song (2006). Dividend Policy, ignaling, and Discounts on Closed-End Funds, *Journal of Financial Economics* Vol.81 pp.539–562

Mustafa Mohammad, M.A. (2020). Evaluating the financial performance of banks using financial ratios: A case study of Erbil bank for investment and finance. *European Journal of Accounting and Auditing Finance Research*. No:2, PP:156-170.

Raghuram, G. Rajan. (1995). What Do We Know about Capital Structure? Some Evidence from International Data. Luigi Zingales *The Journal of Finance*, Vol. 50, No. 5. (Dec., 1995), pp. 1421-1460.

Sinuany-Stem, Z., A. Mehrez., & Y. Hadad. (2000). An AHP/DEA methodology for ranking decision making units. *International Transactions in Operational Research*, 7: 109-124.

Tyrone, T., Lee, C., & Chiu. C. (2019). Application of DEA in analyzing a bank's operating performance. *Expert Systems with Applications*. No:36, pp: 8883–8891.